



Investigating the Consequences of Educational, Economic, Cultural and Social of Islamic Azad University of Chabahar on Women's Affairs

Salim Balouch¹ , Mahdi Loghmannia² , Tayebeh Ahmadi Yeganeh³ 

1. Ph.D. Student in Educational Administration, Department of Educational Sciences, Faculty of Letters and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran, e-mail: s.balouch@urmia.ac.ir
2. Elite and Young Researchers Club, Chabahar Unit, Islamic Azad University, Chabahar, Iran.
3. Elite and Young Researchers Club, Chabahar Unit, Islamic Azad University, Chabahar, Iran.

Article Info ABSTRACT

Article Type: Research Article

Abstract: The aim of this study was to investigate the consequences of establishment of Chabahar Islamic Azad University in educational, economic, cultural and social fields on women's affairs. The research method is descriptive-correlational. The statistical population of the study consists of all undergraduate and undergraduate students in all the final and pre-final semesters in all fields of 1400. For this purpose, 302 people were selected by stratified random sampling from the statistical population. For the consequences of establishing Islamic Azad University on women's affairs, the researcher software with reliability of 0.86 was used and independent T-test, Friedman and Chi-square tests were used for data analysis. The findings showed: The activities of Islamic Azad University of Chabahar Branch have a significant impact on the educational ($t=12.16$ and $sig=0.000$), economic ($t=4.28$ and $sig=0.000$), cultural ($t=9.16$ and $sig=0.000$) and social ($t=9.46$ and $sig=0.000$) affairs of women in this city, and the share of educational ($\chi^2=27.73$) affairs is more than any other

Received:
2020/02/26
Revised:
2020/12/06
Accepted:
2020/12/21

Keywords: Educational affairs, Economic affairs, Cultural affairs, Social affairs.

Cite this article: Balouch, Salim; Loghmannia, Mahdi; Ahmadi Yeganeh, Tayebeh. (2021). Investigating the Consequences of Educational, Economic, Cultural and Social of Islamic Azad University of Chabahar on Women's Affairs. *Higher Education Letter*, 14 (53): pages 19.



© The Author(s).

Publisher: Institute for Research & Planning in Higher Education & National Organization of Educational Testing

* Corresponding Author: Salim Balouch

Address: National Organization of Educational Testing, KarimKhan Ave., Tehran, Iran.

Tel: +98 (21) 88922231. E-mail: Journal@sanjesh.org



بررسی پیامدهای آموزشی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی چابهار بر امور زنان

سلیم بلوچ^۱ ID، مهدی لقمان نیا^۲ ID، طیبه احمدی یگانه^۳ ID

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
۲. باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد چابهار، دانشگاه آزاد اسلامی، چابهار، ایران
۳. باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد چابهار، دانشگاه آزاد اسلامی، چابهار، ایران

اطلاعات مقاله چکیده

چکیده: پژوهش حاضر با هدف بررسی پیامدهای تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار در زمینه‌های آموزشی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر امور زنان اجرا شده است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل همه دانشجویان مقطع کاردانی و کارشناسی در ترم‌های آخر و ماقبل آخر در تمامی رشته‌ها (۱۴۰۰ نفر) بود که برای اجرای این پژوهش تعداد ۳۰۲ نفر به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از جامعه آماری انتخاب شدند. برای سنجش پیامدهای تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی بر امور زنان از پرسشنامه محقق ساخته با پایایی ۰٫۸۶ استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون‌های T مستقل، فریدمن و خی دو استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار تأثیر معنی‌داری بر امور آموزشی ($t=12.16$ و $sig=0.00$)، اقتصادی ($t=4.28$ و $sig=0.000$)، فرهنگی ($t=9.16$ و $sig=0.000$) و اجتماعی ($t=9.46$ و $sig=0.000$) زنان این شهرستان دارد. سهم فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار در این چهار امور متفاوت و سهم امور آموزشی بیشتر ($\chi^2=27.73$) سایر امور است.

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

دریافت:

۹۸/۰۳/۰۷

اصلاح:

۹۹/۰۹/۱۶

پذیرش:

۹۹/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی: امور زنان، امور آموزشی، امور اقتصادی، امور فرهنگی، امور اجتماعی

استناد: سلیم بلوچ، مهدی؛ لقمان نیا، طیبه؛ احمدی، یگانه؛ (۱۴۰۰). بررسی پیامدهای آموزشی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی چابهار بر امور زنان. نامه آموزش عالی، ۱۴ (۵۳)، صفحه ۱۹.

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۳/۰۷

ناشر: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و سازمان سنجش آموزش کشور حق مؤلف © نویسندگان.



مقدمه

از مهم‌ترین ملزومات پیشرفت هر کشور داشتن نیروی انسانی کارا و کارآمد است و با توجه به حرکت اقتصاد جهانی به سمت اقتصاد دانش‌بنیان، نیروی انسانی باکیفیت مهم‌ترین عامل رقابتی هر کشور است. یکی از نشانه‌های اهمیت نیروی انسانی کارآمد، طراحی سازوکار جذب نخبگان و متخصصان در کشور است. آموزش عالی به‌عنوان رکن اصلی تخصص‌پروری، وظیفه تأمین و تربیت نیروی کار ماهر مورد نیاز جامعه را بر عهده دارد (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۸). علم و نهادهای علمی را می‌توان دارای کارکردهایی همچون تغییر و تحول اجتماعی، تولید ثروت اقتصادی و توسعه انسانی و سیاسی دانست که از میان این نهادها دانشگاه بیشترین وظیفه را در این زمینه دارد (سپهیل سرو و همکاران، ۱۳۹۵). زنان نقش بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای در فعالیتهای اجتماعی دارند، آنان برای تسریع روند تغییر و توسعه پایدار جامعه، مسئولیت بسیار جدی و تعیین‌کننده‌ای بر عهده دارند. به همین دلیل کشورهایی که در مسیر توسعه سازنده قرار دارند، به این امر مهم پی برده‌اند که ضرورت ایجاد جامعه سالم در گرو وجود زنان فعال و مؤثر در جامعه است. آموزش زنان و مشارکت آنان نقش مهمی در توسعه کشور داشته، به‌گونه‌ای که حدود نیمی از جمعیت شاغلان را زنان تشکیل می‌دهند (آل عمران و همکاران، ۱۳۹۸).

حضور رو به گسترش زنان در دانشگاه‌ها و گرایش دختران به ادامه تحصیل، آنها را در معرض فاکتورهای اجتماعی جدیدی قرار می‌دهد و باعث می‌شود که به دنبال ایجاد تعریفی نو از جایگاه خود در جامعه و هویتی جدید برای خود باشند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۷). زنان در جامعه حرکت اساسی و حساسی را ایفا می‌کنند؛ همچنین نقش زنان در توسعه، مستقیماً با هدف توسعه اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد و از این‌رو در تحول همه جوامع انسانی، عاملی بنیادی محسوب می‌شود (آل عمران و همکاران، ۲۰۱۴).

دانشگاه و زنان

برای تأثیرگذاری زنان در توسعه کشور، آموزش عالی می‌تواند نقش مهمی ایفا کند (جوانمردی و همکاران، ۱۳۹۷). در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ یک دانشگاه غیردولتی با نام «دانشگاه آزاد اسلامی» شکل گرفت. فکر ایجاد یک دانشگاه جدید و مردمی با ماهیتی نو و هماهنگ با انقلاب و متناسب با نیازهای جامعه جوان و انقلابی ایران از همان ماه‌های اول پیروزی انقلاب، در جلسات و گردهمایی‌های مختلف گروهی از مسئولان و دانشگاهیان علاقه‌مند مطرح بود و روی آن بحث و مطالعه می‌شد (جاسبی، ۱۳۷۰). به لطف تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی رشد قابل توجهی در بخش آموزش عالی اتفاق افتاد. افزایش تعداد رشته‌های تحصیلی، دانشجویان و بسیاری از شاخص‌های کمی دیگر متأثر از آن است. این فرصت آموزش، به‌ویژه برای دختران و زنان فرصتی مهم به شمار می‌رفت (صحرائیان، ۱۳۸۲). زیرا بسیاری از آنان به دلیل وجود بعد مسافتی که مراکز آموزش عالی از محل سکونت آنها و خانواده‌هایشان داشت، امکان ادامه تحصیل نمی‌یافتند (درویشی و همکاران، ۱۳۸۹).

در کشور ما زنان گرایش بیشتری به تحصیلات دانشگاهی پیدا کرده‌اند و تعداد قبولی آنها در امتحانات ورودی دانشگاه‌ها افزایش چشمگیری داشته است (جوانمردی و همکاران، ۱۳۹۷). با توجه به سطح حضور زنان در جامعه، سطح اعتماد اجتماعی آنان تغییر می‌کند و این متغیر خود ورود زنان به اجتماع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسترسازی فرصت‌های برابری جنسیتی، حضور در همه مقاطع تحصیلی را برای دختران افزایش داده است (کیانی و نجفی، ۱۳۹۷). اما سهم زنان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی غیر دولتی به طرز معنی‌داری کمتر از مردان است. زنان ۳۹/۸ درصد از کل دانشجویان این مراکز را در این سال تشکیل می‌دادند (گزارش ملی آموزش عالی، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۱). بررسی آمار دانشجویان زن در رشته‌های مختلف دانشگاهی در ایران نشان می‌دهد بیشترین تعداد دانشجویان زن شاغل در مراکز آموزش عالی دولتی کشور با ۵۶/۳ درصد (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۱) در گروه علوم انسانی قرار داشته‌اند. این در حالی است که مشاهدات تجربی نشان می‌دهد بازار کار برای این رشته‌ها بسیار ناکافی است. از سوی دیگر، تجمع زنان در گروه علوم پایه شامل رشته‌های ریاضی، فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی نیز بیشتر شده است؛ به گونه‌ای که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱، ۶۸/۴ درصد از دانشجویان شاغل به تحصیل در این رشته‌ها در دانشگاه‌های دولتی را زنان تشکیل می‌داده‌اند (همان). آمارهای سال ۱۳۹۴ نیز نشان می‌دهد سهم دختران از کل دانشجویان در رشته‌های علوم پزشکی ۵۳ درصد، در رشته‌های علوم انسانی ۵۸ درصد و در گروه‌های علوم پایه به ۶۹ درصد رسیده است. با نگرستن به روند حضور زنان در رشته‌های تحصیلی مختلف در کشورهای توسعه‌یافته، درمی‌یابیم که اگرچه شاهد گسترش حضور زنان در همه جای دنیا در رشته‌های علوم انسانی هستیم، روند تجمع زنان در رشته‌های علوم پایه در ایران با روند جهانی مطابقت ندارد. در ادامه تعداد دانشجویان به تفکیک گروه تحصیلی و جنسیت در جدول (۱) ارائه شده است (برگرفته شده از گروه پژوهش‌های آماری و فناوری اطلاعات مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی).

جدول (۱) تعداد دانشجویان به تفکیک گروه تحصیلی و جنسیت در سال تحصیلی ۹۴-۹۳

گروه تحصیلی	دوره تحصیلی کاردانی تا دکتری		
	زن	مرد	جمع
علوم انسانی	۷۱۵۹۵۱	۵۴۵۴۴۳	۱۲۶۱۳۹۴
علوم پایه	۱۱۳۲۵۲	۵۲۴۵۱	۱۶۵۷۰۳
علوم پزشکی	۳۰۳۱	۳۸۳۵	۶۸۶۶
فنی و مهندسی	۱۸۷۵۳۹	۴۹۵۳۷۲	۶۸۲۹۱۱
کشاورزی و دامپزشکی	۸۲۱۲۵	۷۳۹۲۰	۱۵۶۰۴۵
هنر	۱۱۰۴۵۴	۶۰۹۳۷	۱۷۱۳۹۱
جمع	۱۲۱۲۳۵۲	۱۲۳۱۹۵۸	۲۴۴۴۳۱۰

بر اساس آمار منتشر شده از وزارت علوم تحقیقات و فناوری در سال تحصیلی ۹۵-۹۴، میزان ۵۸ درصد از دانشجویان در بخشی دولتی و ۴۲ درصد در بخش غیر دولتی تحصیل می‌کنند که قسمت اعظم بخش غیر دولتی مربوط به دانشگاه آزاد اسلامی است. هم‌اکنون این دانشگاه با بیش از ۴۰۰ شعبه در ایران در حال فعالیت است و لقب بزرگ‌ترین دانشگاه حضوری جهان را به خود اختصاص داده است. با تأسیس واحدهای دانشگاهی در بیشتر شهرهای ایران از جمله شهرستان چابهار این امکان فراهم شده است تا زنان و دختران در کنار خانواده‌های خود به تحصیلات ادامه دهند. اما تحصیل در آموزش عالی می‌تواند پیامدهایی متفاوت در ابعاد گوناگون آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشد. در این پژوهش، پیامدهای تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار در ابعاد آموزشی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زنان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

ابعاد آموزشی دانشگاه و زنان

آموزش زنان از مهم‌ترین گام‌ها در مسیر تحقق توسعه همه‌جانبه و پر کردن شکاف‌های عمیق موجود در میان کشورهای فقیر و غنی کنونی است. این امر در جهان پذیرفته شده است که آموزش نیروی انسانی، از مقرون‌به‌صرفه‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها است که آثار مثبت آن بسیار سریع‌گسترش می‌یابد. این آموزش‌ها باید زنان را برای پذیرش و ایفای نقش‌های متناسب با ظرفیت‌ها و ارزش‌های حاکم بر جوامع آماده سازد. آموزش ابزار اصلی توسعه اجتماعی است. بدون آموزش مناسب آن هم در حد کمی و کیفی، امکان مبارزه رضایت‌بخش با مشکلات عمده بشری چون فقر، نادانی و بیماری وجود ندارد. آموزش، نظام ارزشی لازم را برای حرکت به سوی هدف‌های توسعه ملی و حفظ و ترویج فرهنگ قومی کشور فراهم می‌کند و افزون بر فواید مستقیم اجتماعی، باعث می‌شود افراد تحصیل کرده به دلیل سطح فرهنگ اجتماعی، هزینه‌های کمتری از لحاظ جرم، اعتیاد، طلاق، هزینه‌های دادرسی و دستگاه قضایی به جامعه وارد کنند و در صحنه‌های اجتماعی مشارکت بیشتری داشته باشند (بالازاده، ۱۳۸۵). سیاست‌های مرتبط با توسعه پایدار، دارای طیف وسیعی از اجرای سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی از جمله سیاست‌های معطوف به ارتقای مهارت‌های فردی و تخصصی متمرکز بر توسعه ظرفیت‌های اشتغال‌زایی است که این امر فقط از راه آموزش دانشگاهی افراد محقق می‌شود (سپهردوست و همکاران، ۱۳۹۷).

عمومیت یافتن امر آموزش به‌عنوان یک نیاز و ضرورت برای تمامی انسان‌ها طبق ارزش‌های انسانی و الهی، اگرچه جنسیت بردار نیست اما در طول تاریخ، غالباً نسبت به آن با نگاه جنسیتی برخورد شده و زنان در بیشتر جوامع، از حداقل بهره‌مندی آموزش برخوردار بوده‌اند. این در حالی است که آموزش زنان نه تنها نقش مهمی در توسعه انسانی دارد، بلکه توسعه جنسیتی را نیز بهبود می‌بخشد (موسوی خامنه و همکاران، ۱۳۸۹). برخی از صاحب‌نظران معتقدند که آموزش زنان و افزایش مشارکت آنها در آموزش عالی، از حیث سیاسی، می‌تواند به افزایش دسترسی زنان به مجاری قدرت و اقتدار منجر شود و در نظام‌های سیاسی ملی، آنان را از قدرت قابل توجهی برخوردار کند (ودادهیر، ۱۳۸۸). بنابراین

تجهیز زنان به آموزش، به عنوان مقوله‌ای مهم و اثرگذار است که توانایی ایجاد تغییرات مختلف در لایه‌های گوناگون ساختارهای اجتماعی را خواهد داشت. شواهد و بررسی‌ها نشان می‌دهد که در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی ایران، حضور و مشارکت زنان در عرصه علم و فناوری و به‌ویژه در بخش آموزش عالی در مقایسه با گذشته چشمگیر بوده است (پازارگادی، ۱۳۹۱). به‌گونه‌ای که میزان اشتغال در زنان با تحصیلات عالی، ۴ برابر زنان دارای تحصیلات متوسطه و ۱۳ برابر زنان بی‌سواد بوده است و همچنین ۲۱/۴ درصد زنان لیسانس و ۶۹/۲ درصد زنان فوق لیسانس شاغل هستند. به بیان دیگر، هر چه زنان از سطح دانش بیشتری برخوردار شوند، مشارکت اقتصادی آنها بیشتر خواهد شد (سیدی، ۱۳۸۷، به نقل از خرمایی و همکاران، ۱۳۹۰).

صادقی فسایی و خادمی (۱۳۹۵) پژوهش‌های مرتبط با آموزش زنان در ایران را بررسی کرده‌اند. آنها دریافتند که در دهه ۵۰ و ۶۰ پژوهش‌های مرتبط با آموزش زنان تقریباً از یک میزان حجم مساوی برخوردارند. به نظر پژوهشگران حجم کم پژوهش‌ها در این دو دهه، به علت اقتضات خاص کشور در شکل‌گیری انقلاب و بحران‌های پس از آن و نیز شروع تازه تحولات بنیادین نسبت به حضور زنان در عرصه اجتماعی توسط امام خمینی، امری طبیعی باشد و خاص حوزه آموزش زنان نبوده و دیگر حوزه‌ها را نیز شامل شده است (گرچه اگر همین میزان، با دوران پیش از انقلاب مقایسه می‌شد، چه‌بسا در نسبت بالایی قرار داشت). در دهه ۷۰، به علت وجود ثبات در کشور و حرکت در مسیر نظام‌سازی، عرصه علمی و دانش با رشد تولیدات پژوهشی نسبت به دو دهه گذشته مواجه است. اما اوج این رشد و بیشترین حجم پژوهش‌ها در دهه ۸۰ است، که علت این امر را می‌توان، در ضرورت درک اهمیت مسئله آموزش برای زنان در جهت ورود به عرصه‌های اجتماعی قلمداد کرد. چراکه در محتوای تولید شده در این دهه، جهت‌گیری مسئله آموزش بر مدارهایی مانند اشتغال زنان و غیره دیده می‌شود که این مسئله با افول حجم پژوهشی در دهه ۹۰ در نسبت با دهه گذشته بیشتر نمایان می‌شود. از دهه ۸۰ به بعد مسئله آموزش زنان در فضای پژوهشی کشور، با تمرکز بیشتری به عرصه‌های دیگری مانند اشتغال و مشارکت سیاسی و اجتماعی منتقل می‌شود. فراوانی و درصد پژوهش‌های انجام گرفته در جدول‌های زیر آورده شده است.

جدول (۲) فراوانی پژوهش‌های حوزه زنان به تفکیک دهه‌های بعد از انقلاب

دهه	فراوانی	درصد
۵۰	۴	٪۴
۶۰	۵	٪۵
۷۰	۱۷	٪۱۸
۸۰	۵۵	٪۵۷
۹۰	۱۵	٪۱۶

جدول (۳) قالب پژوهش‌های حوزه آموزش زنان از ۵۷ تا ۹۴

نوع	فراوانی	درصد
پایان‌نامه	۱۲	٪۱۲
کتاب	۳۹	٪۴۱
مقاله	۴۳	٪۴۵
طرح پژوهشی	۲	٪۲

ابعاد اقتصادی دانشگاه و زنان

هزینه کردن برای دانشگاه‌ها تنها به‌منظور کسب مدرک نیست بلکه آموزش عالی پایه اصلی اقتصاد ملی است و معیار مهمی برای موفقیت و آینده شغلی در زندگی هر فردی است. بخش آموزش عالی بخش پراشتها و پرهزینه جامعه است. به‌موازات آن هم‌اکنون آموزش عالی بیش از هر زمان دیگری محرک رشد اقتصادی کشورهاست و به همان میزان در برآورده کردن آرمان‌های افشار مختلف جامعه و به‌ویژه زنان و سهمیم کردن آنان در فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی اهمیت دارد؛ چراکه برآورده کردن این آرمان‌ها برای پیشبرد هدف‌های سیاسی و تحکیم روابط اجتماعی برای دولت‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. دیدگاه سرمایه‌انسانی که از سوی تئودور شولتز و گری بکر به رشته تحریر درآمد ما را متوجه این حقیقت می‌کند که دستیابی به میراث بالای توسعه‌یافتگی در کشورهای پیشرفته مرهون آموزش و به‌خصوص ارائه آموزش عالی است (ملکی نیا، ۱۳۹۵).

افزایش سطوح آموزشی زنان ظرفیت تولیدی کل اقتصاد را بالا برده و درنهایت به توسعه و رشد اقتصادی منجر می‌شود. به عبارت دیگر، آموزش عالی زنان هم از جنبه عمومی و هم از جنبه خصوصی مزایای بسیاری را به ثمر می‌آورد. از جنبه منافع شخصی و خصوصی می‌توان به کسب موقعیت‌های شغلی بهتر، دستمزد بالاتر و توانایی بیشتر برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اشاره کرد که این منافع خود موجب بالا بردن کیفیت زندگی و سلامتی فرد و فرزندان می‌شود. از جنبه عمومی در یک اقتصاد دانش‌محور، آموزش عالی زنان در ایجاد جامعه‌ای که از لحاظ تکنولوژیکی پیشرفته باشد کمک شایانی می‌کند و افراد برخوردار از این نوع آموزش نیز در به‌کارگیری از فناوری‌های جدید عملکرد بهتری خواهند داشت (رمزی و همکاران، ۲۰۱۶). آموزش دختران و زنان مؤثرترین روش کاهش فقر به شمار می‌رود (دربی شایر، ۲۰۰۲، به نقل از فنی، ۱۳۸۷؛ ملکی نیا، ۱۳۹۵).

بر اساس بررسی پژوهشکده آمار ایران در سال ۱۳۹۴، حدود ۳۴ درصد از افراد دانش‌آموخته آموزش عالی از نظر

1. . Razmi et al.
2. . Derby Shire
3. . Mamsen

اقتصادی غیرفعال هستند. ۷۱ درصد از افراد دانش‌آموخته عالی غیرفعال را زنان و ۲۹ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. ۳۲ درصد از این افراد دارای مدرک کاردانی، ۶۲ درصد دارای مدرک کارشناسی و ۶ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. با استفاده از این نتایج می‌توان گفت از ۷ میلیون دانش‌آموخته عالی که از آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۴ برآورد شده است حدود ۴/۲ میلیون نفر از نظر اقتصادی غیرفعال هستند که از این تعداد ۷/۱ میلیون نفر به زنان و ۷۰۰ هزار نفر به مردان اختصاص دارد. همچنین برآورد فارغ‌التحصیلان غیر فعال در مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر به ترتیب ۷۵۰ هزار، ۵/۱ میلیون نفر و ۱۵۰ هزار نفر است. همچنین گزارش مرکز آمار ایران در بهار ۱۳۹۴، میزان مشارکت اقتصادی مردان و زنان را به ترتیب ۲۰ میلیون و چهار میلیون و ۲۹۰ هزار نفر گزارش شده است؛ آماري که مبنای محاسبه آن، جمعیت ۱۰ سال به بالا است. بالاترین تراکم اشتغال زنان نیز در بخش خدمات است. به نحوی که طبق نتایج طرح آمارگیری از نیروی کار در بهار ۱۳۹۴، فاصله‌ای حدود ۲۶ درصدی بین اشتغال زنان در بخش خدمات و صنعت به چشم می‌خورد. طبق آمار بهار ۱۳۹۴ تنها حدود ۲۴ درصد از اشتغال بخش صنعت به زنان اختصاص دارد. همچنین طبق نتایج این طرح ۱۱/۸ درصد از جمعیت فعال، بیکار بوده‌اند و نرخ بیکاری در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر بوده است. با توجه به نتایج پژوهش‌های اجرا شده، می‌توان دریافت که میانگین حضور زنان در بازار کار ایران از میانگین بسیار پایین‌تر است (کشاورز، ۱۳۹۴). آموزش زنان از دیدگاه نهاد زنان ملل متحد، برقراری ارتباط میان موضوع آموزش مادران و حمایت از حقوق کودکان است. طبق آمارهای نهاد زنان ملل متحد، زنانی که از سواد برخوردارند، ۵۲ درصد بیش از زنان بی‌سواد می‌توانند در حفظ جان کودکان زیر پنج سال خود اقدام کنند (سلگی و همکاران، ۱۳۹۸). مطالعه‌ای که به سفارش کریستین لاگارد رئیس صندوق بین‌المللی پول انجام گرفته و از سوی این سازمان منتشر شده است، نشان می‌دهد «مبارزه با نابرابری در اشتغال زنان و مردان به رشد اقتصادی کمک می‌کند، از فقر می‌کاهد و صندوق‌های بازنشستگی را از ورشکستگی رهایی می‌بخشد» (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۵). بر اساس منشور سازمان ملل متحد در ۲۰۰۸، همه دولت‌ها موظف هستند تا ۲۰۱۵ اولاً زمینه آموزش عمومی همه زنان را فراهم کنند و ثانیاً در راستای افزایش توانمندسازی آنان و تساوی جنسیتی گام بردارند (عباس‌زاده، ۱۳۹۴). سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در گزارشی درباره اقدامات خود برای برابری زن و مرد در آموزش، کار و کارآفرینی در کشورهای عضو، در سال ۲۰۱۱ پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت برابری زن و مرد در آموزش و اشتغال در کشورهای عضو و کشورهای در حال توسعه ارائه داده است که به نظر می‌رسد برخی از آن می‌تواند برای جامعه ایران نیز مفید باشد. این پیشنهادها و راه‌حل‌ها عبارت‌اند از:

۱. بازبینی برنامه‌های درسی و سیاست‌های آموزشی برای اجتناب از انتقال کلیشه‌های مبتنی بر جنس؛
۲. تشویق دختران در رشته‌های علوم دقیقه، تکنولوژی، ریاضی و مهندسی؛
۳. ایجاد تعادل میان بدنه مدرسان به معنای حضور بیشتر مدرسان زن؛
۴. قرار دادن زنان در مشاغلی که عموماً از سوی مردان اداره می‌شوند؛

۵. بهبود کیفیت آموزش و ارتقای مدیریت مؤثر منابع برای بهبود نتایج تحصیلی دختران و پسران.

ابعاد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه

امروزه مهم‌ترین نقش و حساسیت نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها، فرهنگ‌سازی در جوامع است. دستیابی به توسعه جامع و پایدار جامعه اسلامی، ایجاد زمینه برای تمدن‌سازی آرمانی و مطلوب اسلامی - ایرانی، ذوب نشدن در ساخت روابط موجود تمدن غربی و حضور فعال در پی‌ریزی مهندسی ارتباطات فرهنگی دنیای امروز و مقابله در برابر هجمه فرهنگی استعمار مدرن از دیگر تأثیرات نظام آموزش عالی در جامعه ما به شمار می‌آید (حسینی، ۱۳۸۵). یکی از شاخصه‌های کشورهای در حال توسعه مسئله «فرهنگ» و به‌ویژه نقش نظام آموزش عالی در آن است. فرهنگ، میزان و سطح ارتقای آن، معیاری برای توسعه‌یافتگی به حساب می‌آید و در این زمینه، نظام آموزش عالی و به‌ویژه دانشگاه آزاد اسلامی از ارکان مهم فرهنگ‌ساز به‌شمار می‌رود. تجربه چهار قرن توسعه با الگوهای مختلف، اندیشمندان و پژوهشگران حوزه فرهنگ را به این نتیجه رسانده است که توسعه در سرمایه، تکنولوژی، سطح صادرات و درآمد و صنعت خلاصه نمی‌شود؛ بلکه مهم‌ترین رکن توسعه مردم هر کشور، فرهنگ، سطح آموزش، نوع نگرش به نظام آموزش عالی، برنامه‌های آموزشی و علاقه به پیشرفت و خلاقیت است (کاوسی و سیفی، ۱۳۸۷).

از دیگر ابعاد مورد بررسی تمرکز روی بعد اجتماعی است. اجتماعی شدن فراگردی است که به‌واسطه آن، هر فرد، دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می‌کند. مجموعه این ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌ها فرد می‌تواند با گروه‌ها و افراد جامعه روابط و کنش‌های متقابل داشته باشد. زن با روحیه متکی بر هویت اولیه به‌عنوان نوعی هویت مطلوب با ورود به دانشگاه به زنی باروحيه‌های متحدان تبدیل می‌شود و در ساختار فرهنگی ایرانی، مدرنیته ممنوعه رخ می‌دهد، مادران و همسران سنتی از نقش‌های خود خارج می‌شوند، آنها به زنان جدیدی تبدیل شده‌اند که اولویتشان تحقق خویشتن به شیوه‌ای خلاقانه و مبتنی بر اراده فردی است (رحمانی و طیبی‌نیا، ۱۳۹۷).

با تأسیس واحدهای دانشگاهی در بیشتر شهرهای ایران از جمله شهرستان چابهار این امکان فراهم شده است که زنان و دختران در کنار خانواده‌های خویش به تحصیلات خود ادامه دهند. اما تحصیل در آموزش عالی می‌تواند پیامدهایی متفاوت در ابعاد گوناگون آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشد که در این تحقیق بدان اشاره شده است. بنابراین هدف از اجرای این پژوهش، بررسی این موضوع است که آیا تأسیس دانشگاه آزاد چابهار در ابعاد آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان تأثیر داشته است یا خیر؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع هدف، کاربردی و به لحاظ روش گردآوری اطلاعات توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل همه دانشجویان دختر مقطع کاردانی و کارشناسی در ترم‌های آخر و ماقبل آخر در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ در تمامی

رشته‌ها به تعداد ۱۴۰۰ نفر است. نمونه آماری این پژوهش با توجه به جدول مورگان ۳۰۲ نفر به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت نمره‌دهی شده و مقیاس پاسخگویی آن (خیلی کم ۱، تا خیلی زیاد ۵) بوده است.

برای تعیین روایی آزمون، پرسشنامه مذکور بین چند آزمودنی و تنی چند از استادان، توزیع و از آنان خواسته شد تا نظرات خود را در خصوص تمامی جنبه‌های موضوع، استحکام پرسش‌ها و رابطه منطقی میان آنها و همچنین مناسب بودن طراحی پرسش‌ها بیان کنند. درنهایت با استفاده از تمامی گام‌های قبل پرسشنامه نهایی تهیه و تنظیم شد. برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. پایایی این پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰٫۸۶ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

از میان پرسشنامه‌های توزیع‌شده تعداد ۲۸۱ پرسشنامه گردآوری شد. از نظر وضعیت تأهل میان این پاسخگویان تعداد ۱۸۰ نفر (۶۴٫۱ درصد) مجرد و تعداد ۱۰۱ نفر (۳۵٫۹ درصد) متأهل بودند. از نظر مدرک تحصیلی ۹۵ نفر (۳۳٫۸ درصد) دارای مدرک کاردانی، ۶۸ نفر (۲۴٫۲ درصد) دارای مدرک کارشناسی پیوسته و ۱۱۸ نفر (۴۲٫۰ درصد) دارای مدرک کارشناسی ناپیوسته بودند. از نظر وضعیت شغلی ۳۵ نفر (۱۲٫۵ درصد) داری شغل دولتی، ۶۲ نفر (۲۲٫۱ درصد) دارای شغل غیر دولتی و تعداد ۱۸۴ نفر (۶۵٫۴ درصد) بیکار بوده‌اند.

جدول (۴) میانگین و انحراف معیار پاسخگویان در متغیرهای تأثیرگذار دانشگاه آزاد بر امور زنان

متغیر	میانگین	انحراف معیار
امور آموزشی	۱۴٫۱۳	۲٫۸۴
امور اقتصادی	۱۲٫۸۹	۳٫۴۹
امور فرهنگی	۱۳٫۹۴	۳٫۵۵
امور اجتماعی	۱۳٫۵۵	۲٫۷۴

جدول (۵) نتایج فرض نرمال بودن آزمون

آزمون	امور زنان
کولموگروف-اسمیرنف	۲/۵۶

سطح معنی داری	۰/۰۰
---------------	------

آزمون ناپارامتری کولموگروف- اسمیرنف برای تعیین نرمال بودن امور زنان اجرا شد. در جدول (۵) نتایج این آزمون حاکی از نرمال بودن داده‌ها در این متغیر مورد مطالعه بود ($Z=۲/۵۶$ و $sig=۰/۰۰$). فرضیه اول این پژوهش، بررسی تأثیر فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار بر امور آموزشی زنان این شهرستان است که نتایج در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول (۶) آزمون t برای تفاوت معنی داری تأثیر گذاری دانشگاه آزاد بر امور آموزشی زنان

test value= 12				متغیر
تفاوت میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار t	
۲,۱۳	۰,۰۰۰	۲۸۰	۱۲,۶۰	امور آموزشی

همان طور که در جدول (۶) دیده می‌شود مقدار $۱۲t/۶۰=$ با درجه آزادی ۲۸۰ و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) به دست آمده کوچک‌تر از ۰,۰۵ است که نشان می‌دهد درصد خطا کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین با سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد می‌توان گفت که فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار تأثیر معنی داری بر امور آموزشی زنان این شهرستان داشته است.

فرضیه دوم: فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار تأثیر معنی داری بر امور اقتصادی زنان این شهرستان داشته است که نتایج آن به شرح جدول (۷) است.

جدول (۷) آزمون t برای تفاوت معنی داری تأثیر گذاری دانشگاه آزاد بر امور اقتصادی زنان

test value= 12				متغیر
تفاوت میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار t	
۰/۸۹	۰/۰۰۰	۲۸۰	۴/۲۸	امور اقتصادی

مطابق جدول (۷) مقدار $۴t/۲۸=$ با درجه آزادی ۲۸۰ و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) به دست آمده کوچک‌تر از ۰,۰۵ است که نشان می‌دهد درصد خطا کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین با سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد می‌توان گفت که فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار تأثیر معنی داری بر امور اقتصادی زنان این شهرستان داشته است. فرضیه سوم: فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار تأثیر معنی داری بر امور فرهنگی زنان این شهرستان داشته

است که نتایج آن به شرح جدول (۸) است.

جدول (۸) آزمون t برای تفاوت معنی داری تأثیر گذاری دانشگاه آزاد بر امور فرهنگی زنان

test value= 12				متغیر
تفاوت میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	t مقدار	
۱,۹۴	۰/۰۰۰	۲۸۰	۹/۱۶	امور فرهنگی

مطابق جدول (۸) مقدار $t=۹/۱۶$ با درجه آزادی ۲۸۰ و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) به دست آمده کوچکتر از ۰,۰۵ است که نشان می دهد درصد خطا کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین با سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد می توان گفت که فعالیت های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار تأثیر معنی داری بر امور فرهنگی زنان این شهرستان داشته است. فرضیه چهارم: فعالیت های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار تأثیر معنی داری بر امور اجتماعی زنان این شهرستان داشته است که نتایج آن به شرح جدول (۹) است.

جدول (۹) آزمون t برای تفاوت معنی داری تأثیر گذاری دانشگاه آزاد بر امور اجتماعی زنان

test value= 12				متغیر
تفاوت میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	t مقدار	
۱/۵۵	۰/۰۰۰	۲۸۰	۹/۴۶	امور اجتماعی

مطابق جدول (۹) مقدار $t=۴/۲۸$ با درجه آزادی ۲۸۰ و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) به دست آمده کوچکتر از ۰,۰۵ است که نشان می دهد درصد خطا کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین با سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد می توان گفت که فعالیت های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار تأثیر معنی داری بر امور اجتماعی زنان این شهرستان داشته است. فرضیه پنجم مربوط به تفاوت سهم فعالیت های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار در امور آموزشی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بانوان است که نتایج آن در جدول های زیر ارائه شده است.

جدول (۱۰) رتبه بندی عوامل تأثیر گذار تأسیس دانشگاه آزاد بر امور زنان این شهرستان

ردیف	متغیرهای امور زنان	میانگین رتبه
۱	امور آموزشی	۲/۷۴
۲	امور اقتصادی	۲/۲۱
	امور فرهنگی	۲/۵۸

۲/۴۷	امور اجتماعی	
------	--------------	--

جدول (۱۱) آزمون فریدمن

سطح معنی داری	درجه آزادی	کل	آزمون خی دو
۰/۰۰۰	۱	۲۸۱	۲۷/۷۳

نتایج به دست آمده از جدول (۱۰) نشان دهنده آن است که میانگین رتبه محاسبه شده برای امور آموزشی برابر با ۲،۷۴، امور اقتصادی ۲،۲۱، امور فرهنگی، ۲،۵۸ و امور اجتماعی ۲،۴۷ است. همچنین نتایج جدول (۱۱) مقدار آزمون خی دو ۲۷،۷۳ و سطح معنی داری مطلوب برآورده شده است ($S=0.000$)؛ بدین معنی که سهم فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار در امور آموزشی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بانوان متفاوت است و امور آموزشی بالاترین سهم و امور اقتصادی پایین‌ترین سهم را داشته است.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار تأثیر معنی‌داری بر امور آموزشی زنان این شهرستان داشته است. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های جوانمردی و همکاران (۱۳۹۷)، خرمایی و همکاران (۱۳۹۰)، عزیزخانی (۱۳۹۰)، رودگر نژاد و همکاران (۱۳۹۰)، تدین و همکاران (۱۳۸۶)، حسن‌زاده (۱۳۸۵)، و صحرائیان (۱۳۸۲) همسو و هماهنگ است. افزایش روزافزون تحصیلات، اشتغال زنان، مشارکت اجتماعی اقتصادی و حتی سیاسی زنان را دگرگون ساخته است (کیانی و همکاران، ۱۳۹۷).

بر این اساس، سرمایه‌گذاری در امر آموزش دختران و زنان سرمایه‌گذاری مفید و حتی مهم‌تر از سرمایه‌گذاری در امر مردان است زیرا آموزش یک زن برابر آموزش یک خانواده است (غیاشی، ۱۳۷۹). جایگاه زنان در جامعه تغییر کرده و عرصه‌های حضور زنان در جامعه گسترش یافته است. یکی از عرصه‌هایی که در جامعه حضور زنان در آن بسیار پررنگ‌تر از گذشته شده است دانشگاه‌ها و مراکز علمی است و به‌زعم صاحب‌نظران مسائل توسعه، دوام و استمرار توسعه پایدار در هر جامعه به مشارکت همه افراد و احاد آن جامعه مخصوصاً قشر تحصیل کرده دانشگاهی و روشنفکران بستگی دارد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۷).

دانشگاه آزاد اسلامی، نقشی مؤثر در افزایش دانشجویان کشور به‌ویژه دانشجویان دختر داشته و توانسته است در محورهایی چون گسترش فرهنگ عمومی، توسعه علوم و فنون و ترویج اخلاق و روابط اجتماعی بیشترین موفقیت را کسب کند (خرمایی و همکاران، ۱۳۹۰). بررسی‌هایی که تاکنون انجام گرفته وجود همبستگی منطقی بین آموزش

و درجه تحصیلات را نشان می‌دهد (امین‌زاده، ۱۳۸۵). به علت تعصبات قومی بالا در امر آموزش در دختران بلوچ^۱ و همچنین فاصله سایر دانشگاه‌ها از این شهرستان تا پیش از تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی چابهار، میزان باسوادان دختر در این شهرستان بسیار پایین بود، اما پس از تأسیس دانشگاه آزاد بر میزان سواد دختران افزوده شده و این امر در تعداد دانشجویان دختر و استخدام آنها در سال‌های اخیر به خوبی نمایان است.

در بررسی فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار بر امور اقتصادی زنان، نتایج نشان داد که فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار تأثیر معنی‌داری بر امور اقتصادی زنان این شهرستان داشته است. این نتایج با نتایج پژوهش‌های آل عمران و همکاران (۱۳۹۸)، جوانمردی و همکاران (۱۳۹۷)، رودگرنژاد و همکاران (۱۳۹۰)، عزیزخانی (۱۳۹۰)، امین‌جعفری (۱۳۹۰)، ظفری و همکاران (۱۳۹۰)، درویشی و همکاران (۱۳۸۹)، سلاح‌حورزی (۱۳۸۹)، موحدی و همکاران (۱۳۸۸)، تدین و همکاران (۱۳۸۶)، حسن‌زاده (۱۳۸۵) و صحرائیان (۱۳۸۲) همسو و هماهنگ است. به باور برخی پژوهشگران، آموزش دختران به احتمال قوی پرمفعت‌ترین سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه است. آموزش بانوان به انحای مختلف به رشد اقتصادی یاری می‌رساند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸). سرمایه‌گذاری در آموزش عالی زنان منبع مهمی برای تشکیل سرمایه انسانی محسوب شده و در رشد اقتصادی کشور عامل مهمی به شمار می‌آید (آل عمران و همکاران، ۱۳۹۸). می‌توان گفت که دانشگاه با تربیت زنان و افزایش مهارت‌های تخصصی آنها باعث اشتغال زنان در جامعه می‌شود و در نتیجه اشتغال پایدار باعث تولید اقتصادی می‌شود.

البته حضور زنان در اقتصاد آثار و پیامدهایی دارد که یگانه فینی (۱۳۹۳) به آنها با عنوان پیامدهای مثبت و پیامدهای منفی اشاره کرده است: پیامدهای مثبت شامل کمک به اقتصاد خانواده و اقتصاد ملی؛ استقلال مالی و افزایش عزت نفس؛ افزایش بینش اجتماعی و روحیه اعتمادبه‌نفس و استقلال فکری و روحی زنان؛ ارتقای پایگاه حقوقی و حفظ منزلت زن و توسعه نیروی انسانی و پیامدهای منفی آن شامل کاهش حضور زن در خانه و سست شدن کانون خانواده، کم شدن میل به فرزند داشتن و تغییر در ویژگی زنانه، تغییر در شیوه مدیریت می‌شود.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار در دستیابی زنان به بازار اشتغال، ایجاد شرایط کاربایی و کسب درآمد بیشتر و در ایجاد تنوع شغلی نقش بسزایی داشته است. افزایش درآمد زنان به‌طور مستقیم به اقتصاد خانواده کمک می‌کند. دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار می‌تواند زمینه ایجاد اشتغال تعداد زیادی از افراد از جمله زنان را فراهم سازد و اشتغال این زنان نقش مهمی در معیشت خانواده می‌تواند داشته باشد. تصدی مشاغل دولتی توسط زنان بومی خصوصاً شغل معلمی در این چند سال اخیر مؤید این مطلب است.

دیگر نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار تأثیر معنی‌داری بر امور فرهنگی زنان این شهرستان داشته است. این نتایج با نتایج پژوهش‌های جوانمردی و همکاران (۱۳۹۷)، خرمایی و همکاران (۱۳۹۰)، عزیزخانی (۱۳۹۰)، رودگرنژاد و همکاران (۱۳۹۰)، موحدی و همکاران (۱۳۸۸)، تدین و همکاران

۱. بیشتر دانشجویان شهرستان چابهار به علت بومی بودن دارای قومیت بلوچ هستند.

(۱۳۸۶)، ولی‌زاده (۱۳۸۵)، حسن‌زاده (۱۳۸۵) و صحرائیان (۱۳۸۲) همسو و هماهنگ است. نقش و جایگاه آموزش عالی در توسعه فرهنگی نقشی اساسی و پررنگ است که بر کسی پوشیده نیست و باید با تقویت این نقش تلاش کرد تا با گسترش آموزش عالی، بسترهای مناسب برای توسعه فرهنگی مناسب فراهم آید. همچنین ضمن حفظ کیفیت آموزش از طریق ارتباط دادن شاخص‌های توسعه فرهنگی با آموزش عالی تلاش کرد تا در مجموعه آموزش عالی تولید و بومی‌سازی لازم صورت پذیرد تا بتوانیم به نتایج مطلوب در مسیر توسعه دست پیدا کنیم. با توجه به تجاری بودن شهر چابهار، مهاجرت از سایر شهرهای ایران به شهر چابهار آغاز شده است و با ورود افراد بومی و اسکان آنها در شهر چابهار و همچنین تحصیل آنها در دانشگاه آزاد شهر چابهار این امر باعث تبادل فرهنگی بین افراد بومی و غیر بومی شده است و سطح فرهنگی افراد می‌تواند در این زمینه رشد داشته باشد.

در امور اجتماعی نیز فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار تأثیر معنی‌داری بر زنان این شهرستان داشته است. این نتایج با نتایج پژوهش‌های جوانمردی و همکاران (۱۳۹۷)، رودگر نژاد و همکاران (۱۳۹۰)، موحدی و همکاران (۱۳۸۸)، تدین و همکاران (۱۳۸۶)، ولی‌زاده (۱۳۸۵)، حسن‌زاده (۱۳۸۵) و صحرائیان (۱۳۸۲) همسو و هماهنگ بود.

نهاد آموزش عالی در یک کشور عرصه پرورش نخبگان علمی در حیطه‌های مختلف، رهبران اجتماعی، سیاسی و متخصصان و مدیران آن جامعه است. افزایش تقاضای بانوان برای دستیابی به آموزش عالی و رشد میزان حضور آنان در آن، از یک سو ناشی از این نگرش درست و واقع‌بینانه است و از سوی دیگر، موجب طرح مطالبات تازه برای حضور گسترده‌تر و مشارکت بیشتر در سطوح مدیریت و رهبری جامعه است (وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۲). حضور بانوان در مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز مختلف آموزش به آنها فرصت می‌دهد تا بخشی از مهارت‌های زندگی را فراگیرند و از همه مهم‌تر تجربه حضور در عرصه‌های عملی نهادهای اجتماعی مدرن را به دست آورند و از این منظر در جوامع توسعه‌نیافته یا در حال توسعه‌ای همانند ایران - که با فقر سرمایه‌های انسانی و پدیده فرار مغزها مواجه است - بانوان حتی می‌توانند نیروی شتاب‌دهنده توسعه محسوب شوند (ایمانی، ۱۳۸۱). با تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار و افزایش ثبت نام‌های دانشجویی دختران و به تبع فارغ‌التحصیل شدن آنها، این امر در امور اجتماعی زنان تأثیر بسزایی بر جای می‌گذارد. زنان تحصیلات در دانشگاه‌ها را مسیر مؤثری برای کسب موقعیت اجتماعی بهتر در جامعه و ارتقای پایگاه اجتماعی خود می‌دانند. به نظر می‌رسد زنان به دلیل محدودیت‌هایی که در گذشته با آن مواجه بوده‌اند، امروزه تلاش می‌کنند تا با کسب مدارج دانشگاهی پایگاه اجتماعی خود را در جامعه ارتقا بخشند و به‌عنوان شهروندی فعال و مورد پذیرش در جامعه قلمداد شوند. یافته‌های زوفیا دچ (۱۹۸۸) و قانع‌راد (۱۳۸۵) این یافته‌ها را تأیید می‌کند. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که افزایش حضور زنان در دانشگاه‌ها بیشتر در رشته‌ها یا دوره‌های عمومی است که سبب تحرک اجتماعی و شغلی آنان در جامعه می‌شود.

از دیگر نتایج این پژوهش، متفاوت بودن سهم فعالیت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار در امور آموزشی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بانوان است که نشان از تأثیرگذاری بیشتر فعالیت‌های آموزشی نسبت به سایر فعالیت‌ها

است. خرمایی و همکاران (۱۳۹۰)، رودگر نژاد و همکاران (۱۳۹۰) و حسن زاده (۱۳۸۵) نیز در پژوهش‌های به رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار بر امور زنان پرداختند. خرمایی و همکاران نشان دادند که از نظر زنان، ره‌آوردهای آموزشی دانشگاه بیش از ره‌آوردهای فرهنگی آن بوده است. همچنین رودگر نژاد و همکاران نشان دادند که در هر چهار متغیر اصلی امور آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، اتفاق نظر هست که دانشگاه آزاد، تأثیر مثبتی بر وضعیت زنان گذاشته است. تأثیر این عوامل به ترتیب اهمیت عامل اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و فرهنگی بوده است. حسن زاده در پژوهش خود دریافت که آموزش عالی و دانشگاه در پیشرفت اقتصادی، آموزشی و فرهنگی - اجتماعی زنان تأثیر دارد و سهم پیامدهای آموزش عالی و دانشگاه در امور آموزشی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی متفاوت است. همان‌گونه که نتایج نشان داد بیشترین تأثیر دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار بر امور آموزشی زنان بوده است که البته یکی از علت‌های آن می‌تواند نزدیکی دانشگاه به محل تحصیل آنان باشد.

به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار بر امور آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان تأثیر گذاشته و سهم هر یک از این موارد متفاوت است؛ بنابراین پیشنهادها زیر در این خصوص ارائه می‌شود: متناسب با نقش زنان و حضور آنان در دانشگاه، محتوای آموزشی مناسب تدوین و در محتوای درسی رشته‌های تحصیلی مرتبط با آن گنجانیده شود. حمایت از حضور زنان در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه و ارائه فعالیت متناسب با این دوره‌ها. گسترش رشته‌های جدید در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و مرتبط با طبیعت زنان. تأسیس رشته‌هایی متناسب با مسئولیت‌های اجتماعی و اشتغال زنان. رشد اقتصادی زنان توانسته روی استقلال آنان تأثیر گذاشته و در درازمدت می‌تواند به استحکام خانواده کمک کند، از این رو، پیشنهاد می‌شود این فعالیت‌ها توسعه یابد.

منابع

- آل عمران، روای؛ آل عمران، سید علی (۱۳۹۸). بررسی تأثیر آموزش عالی زنان بر رشد اقتصادی ایران. فصلنامه زن و جامعه، ۱۷(۳)، ۱۷-۳۰.
- احمدی، فاطمه؛ عالیشوندی، سمیه (۱۳۸۸). گسترش کارآفرینی میان زنان. ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۸۹ و ۹۰، ۱۷-۴۲.
- اکبری، نوراله (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی. در چپه، ۳(۱۱)، ۲۴-۱۴.
- امین جعفری، بتول (۱۳۹۰). نقش دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه اقتصادی زنان (مطالعه موردی شهرستان خمینی شهر). همایش منطقه‌ای تبیین خدمات دانشگاه آزاد اسلامی، دورود، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.
- امین زاده، فرخ (۱۳۸۵). جمعیت‌شناسی کار. جلد دوم. انتشارات دانشکده ملی ایران.
- ایمانی، مصطفی؛ مردیها، مرتضی (۱۳۸۱). بررسی پیامدهای افزایش زنان دانشجو وزارت علوم تحقیقات و فناوری. دفتر

مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی.

بالازاده، محمدحسین (۱۳۸۵). اقتصاد آموزش و پرورش. انتشارات طراوت.

پازارگادی، مهرانوش (۱۳۹۱). زنان در عرصه آموزش، اندیشه راهبردی زنان و خانواده. تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.

پیشگاهی فرد، زهرا؛ مریم، اسدی راد (۱۳۸۲). بررسی رابطه میان آموزش عالی زنان در ایران و حضور آنان در عرصه‌های قانون‌گذاری. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۳۹(۳)، ۱۵۹-۱۹۷.

تدین، مریم؛ فدایی، مهدی؛ نادى، محمدعلی (۱۳۸۶). پیامدهای تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و آموزشی- تربیتی بخش میمه: با تأکید بر آثار اقتصادی. دانش و پژوهش در علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ۱۳، ۱۳۵-۱۶۰.

جاسبی، عبدالله (۱۳۷۰). روند شکل‌گیری دانشگاه آزاد اسلامی. مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی. جوانمردی، میلاد؛ لیاقتدار، محمدجواد؛ اکبری، نعمت‌الله؛ احمدخواه، سمیه (۱۳۹۷). پیامدهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی افزایش ورودی‌های زنان در آموزش عالی کشور از دیدگاه اعضای هیئت علمی و دانشجویان. پژوهش‌های تربیتی، ۳۷، ۳۵-۵۳.

حسن‌زاده، رمضان (۱۳۸۵). بررسی نقش آموزش عالی و دانشگاه در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی زنان. دانش و پژوهش در علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوارسگان (اصفهان)، ۱۲، ۷۱-۸۶.

حسینی، سید حسین (۱۳۸۵). نقش آموزش عالی و ترسیم هویت دانشجویی. مجله معرفت، ۱۰۴، ۹۰-۹۴. خرمایی، فرهاد؛ ضیایی، سهیلا؛ درویشی، فرنگیس؛ علائی، بیتا و تورانی تهمینه (۱۳۹۰). راه‌آورد‌های آموزشی و فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون در مورد زنان شهر کازرون. زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، ۱۲(۱)، ۳۷-۵۳. درویشی، فرنگیس؛ خرمایی، فرهاد و ضیایی، سهیلا (۱۳۸۹). بررسی تأثیر دانشگاه آزاد اسلامی بر توسعه اسلامی زنان از دیدگاه زنان شهر کازرون. فصلنامه زن و جامعه، ۱(۱)، ۹۱-۱۱۰.

رحمانی، جبار؛ طیبی‌نیا، مهری (۱۳۹۷). فرایند تحول هویت اجتماعی زنان در تجربه گفتمانی نهاد دانشگاه (مورد مطالعه: زنان متأهل، شاغل و دانشجو). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱۱(۵)، ۱۲۳-۱۵۱.

رودگر نژاد، فروغ؛ کیاکجوری، کریم؛ طاهری، عبدالرحیم (۱۳۹۰). نقش دانشگاه آزاد اسلامی در امور آموزشی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان. زن و فرهنگ، ۳(۹)، ۳۳-۴۴.

سپهر دوست، حمید؛ باروتی، مهسا (۱۳۹۷). تحلیل رابطه اشتغال نیروی انسانی و راهبرد توسعه پایدار منطقه‌ای. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۳۴(۳)، ۳۵-۶۲.

سلاح‌حورزی، ثریا (۱۳۸۹). بررسی پیامدهای اقتصادی تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی بر اشتغال زنان شهر خرم‌آباد. همایش زن و اهداف توسعه هزاره.

سلگی، مریم؛ کریمی، سوده (۱۳۹۸). سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه زنان و خانواده، ۴(۱۸)، ۳۷-۷.

سهیل سرو، محمد؛ هزارجریبی، جعفر؛ کرمی قهی، محمدتقی؛ انتظاری، اردشیر (۱۳۹۵). سیاست‌های توسعه آموزش عالی و پیامدهای آن بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها. راهبرد اقتصادی، ۵(۱۹)، ۱۷۵-۲۰۲.

صادقی فسایی، سهیلا؛ خادمی، عاطفه (۱۳۹۵). فراتحلیل پژوهش‌های بعد از انقلاب اسلامی در موضوع آموزش زنان. فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۹(۳۳)، ۱۷۱-۱۹۹.

صحرائیان، مهدی (۱۳۸۲). نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی کشور. نشریه خراسان.

ظفری، علی‌محمد؛ یوسفی، غلامرضا؛ اصفهانی، محمدجواد (۱۳۹۰). بررسی نقش دانشگاه آزاد اسلامی در اشتغال‌زایی (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق). همایش منطقه‌ای تبیین خدمات دانشگاه آزاد اسلامی، دورود، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود

عباس‌زاده، سعیده (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی پنج برنامه توسعه کشور پیرامون دست‌یابی به عدالت جنسیتی با تأکید بر وضعیت آموزش عالی زنان در ایران و مقایسه آن با وضعیت جهانی. پژوهشنامه زنان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۶(۱)، ۹۷-۱۳۰.

عزیزخانی، اقباله (۱۳۹۰). بررسی پیامدهای تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی در امور آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اقتصادی زنان شهرستان خلخال. علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد خلخال)، ۲۸(۱)، ۶۷-۸۱.

غیاثی، مینو (۱۳۷۹). بررسی روند وضعیت آموزشی زنان در آموزش عالی ایران (بخش دولتی) از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۸. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

فراستخواه، مقصود (۱۳۸۳). زنان آموزش عالی بازار کار. فصلنامه پژوهش زنان، ۲(۱)، ۱۶۳-۱۴۷.

قانع‌راد، محمدمبین؛ خسروخور، فرهاد (۱۳۸۵). نگاهی به عوامل فرهنگی افزایش ورود دختران به دانشگاه‌ها. پژوهش زنان، ۴(۴)، ۱۱۵-۱۳۸.

قدیمی، اکرم (۱۳۸۳). زن، عرصه اجتماع. انتشارات برگ زیتون.

کاوسی، اسمعیل؛ سیفی، پری (۱۳۸۷). بررسی نقش دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه فرهنگی استان سیستان و بلوچستان. پژوهشنامه پژوهشکده مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت، ۲۷.

کشاوری، خدیجه (۱۳۹۴). مطالعه زمینه‌های شکاف میان دسترسی زنان به آموزش عالی و حضور آنان در بازار کار. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۴(۱)، ۱۷۷-۲۰۲.

کیانی، زهرا؛ نجفی، سیامک (۱۳۹۷). اعتماد اجتماعی و هویت اجتماعی؛ بازاندیشی در هویت اجتماعی زنان تحصیل کرده مورد مطالعه دانشگاه تبریز. فصلنامه زن و جامعه، ۲۹(۲)، ۲۷۵-۲۹۴.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۶). دفتر آمار جمعیت، نیروی کار و سرشماری. ملکی نیا، عماد (۱۳۹۵). بررسی نقش و جایگاه نظام آموزش عالی در توسعه اقتصادی. کنگره ملی آموزش عالی در ایران. صص ۵-۱.

موحدی، مهدی؛ معتمدی، مجید؛ موحدی، مسعود (۱۳۸۸). بررسی پیامدهای تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی در امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی (مطالعه موردی، بانوان شهرستان فیروزکوه). پژوهشگر، فصلنامه مدیریت، ۶(۱۳)، ۳۳-۳۵.

موسوی خامنه، مرضیه؛ ابوعلی، ودادهیر؛ برزگر، نسرین (۱۳۸۹). توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت و آموزش زنان (نتایج مطالعه‌ای بین کشوری). پژوهش زنان، ۸(۴).

ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۱). زنان و آموزش عالی؛ تکوین هویتی نوین برای زنان در آموزش عالی ایران. کتاب زنان، ۱۵. وزارت علوم و تحقیقات و فناوری (۱۳۹۲ - ۱۳۹۱). آمار آموزش عالی ایران. گروه پژوهش‌های آماری و فناوری اطلاعات.

وزارت علوم و تحقیقات و فناوری (۱۳۹۴). آمار آموزش عالی ایران. گروه پژوهش‌های آماری و فناوری اطلاعات.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۱). آمار آموزش عالی. برگرفته از سایت <http://www.msrt.ir>

یگانه فینی، نوشزاد؛ صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ صالحی امیری، سید رضا؛ بهبهانی، زهرا (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ابعاد فرهنگی جهانی شدن بر فرهنگ زنان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشکده مدیریت و حسابداری؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب). مدیریت فرهنگی، ۶(۲۴).

Aleemran, R. & Aleemran, S. A. (2014). A Study of the Effect of Woman Indicators on the Economic Growth of the Countries in the Middle East and North Africa (MENA). *Journal of Woman & Study of Family*, 6(23), 7-30.

Razmi, M. J., & Hajebi, E. (2016). Effect of Woman's Higher Education on Economic Growth in Some OPEC and North Africa Countries. *Journal of Economic Modeling Research*, 6(24), 175-200.

Raport de FMI (2015). *pourquoi faut-il encourager le travail des femmes?* in: <http://www.terrafemina.com/emploi-a-carrieres/actu/articles/31158-fmi-pourquoi-faut-il-encourager-le-travail-des-femmes-.html>, consulté: le 10 juin 2015.

Rapport sur l'initiative de l'OCDE pour la parité: l'égalité entre hommes et femmes en matière d'éducation, d'emploi et d'entrepreneuriat. (2011). Réunion du Conseil au niveau des ministres Paris, 25-26 mai 2011.